



## پیشتر آن‌ها از دیدن من در کلاس تعجب می‌کردند!

آن‌که کتاب درسی را باز کنید، ۲۰ دقیقه وقت دارید مطالب نوشته شده روی تخته را به دقت مطالعه و سؤالات خودتان را روی یک برگه کاغذ یادداشت کنید.

همه این کار را انجام دادند. بلافاصله بعد از اتمام وقت شروع کردم به تدریس همان مطالب روی تخته. احساس کردم بچه‌ها درس را خیلی خوب فهمیده‌اند. پس از اتمام تدریس به بچه‌ها گفتم: سؤالاتی را که نوشته بودید یک بار دیگر مرور کنید. اکثر بچه‌ها پاسخ دادند که جواب‌های سؤالات را در طول تدریس گرفته‌اند و درس را خیلی خوب فهمیده‌اند. بعد به دانش‌آموزانم گفتم: کاری که امروز انجام شد، همان است که ما به آن می‌گوییم پیش‌خوانی! در واقع، عملاً به بچه‌ها ثابت کردم اگر در منزل پیش‌خوانی کنند و از یک درس زمینه فکری داشته باشند، آن را بهتر یاد می‌گیرند.

قبل از این‌که زنگ کلاس بخورد، کتاب ریاضی را برداشتم و وارد کلاس شدم. بچه‌ها همگی، به جز دو سه نفر، برای زنگ تفریح در حیاط مدرسه بودند. از این دو سه نفر نیز خواهش کردم کلاس را ترک کنند و به دوستان خود بپیوندند. بعد بلافاصله شروع کردم روی تخته وایت برد کلاس، ۱ صفحه از کتاب ریاضی را که تصمیم داشتم در همان جلسه تدریس کنم، عیناً نوشتم. (بدون هیچ توضیح اضافی) و در کلاس منتظر ماندم تا بچه‌ها بیایند.

عکس‌العمل بچه‌ها جالب بود. بیشتر آن‌ها از دیدن من در کلاس تعجب می‌کردند. وقتی همه در جای خود قرار گرفتند، گفتم: خب بچه‌ها، بدون

مؤید و پیروز باشید

سردبیر